

حمایت از منابع ژنتیک در پرتو قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

حجت‌خادمی

محمود عباسی

چکیده

منابع ژنتیک به معنی مواد ژنتیکی است که از ارزش واقعی یا بالقوه برخوردار باشند. اهمیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی منابع مذکور باعث بروز نگرانی جدی در خصوص وقوع سرقت‌زیستی و نادیده انگاشتن حقوق جوامع بومی و محلی در شیوه بهره‌برداری از این منابع و امکان محو و نابودی آن‌ها شده است. کشور ایران به دلیل برخورداری از منابع غنی ژنتیکی و در راستای اعمال حاکمیت ملی خویش باید به دو رویکرد حفاظت از این منابع در مقابل صدمه و اتلاف و حمایت از این منابع در مقابل سرقت‌زیستی و سوءاستفاده و بهره‌برداری بدون مجوز، توجه ویژه داشته باشد. یکی از روش‌های حمایت، جلوگیری از کسب ناعادلانه و غیرمنصفانه حقوق مالکیت فکری بر منابع ژنتیک توسط اشخاصی به جز جوامع دارنده و تأمین‌کننده این منابع می‌باشد که به عنوان حمایت سلبی شناخته می‌شود. این صورت از حمایت در بند (د) ماده (۴) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ایران مصوب ۱۳۸۷ پیش‌بینی شده است. تصویب این بند همچنین مخالفت‌هایی را نیز در پی داشت که عمدتاً از سوی متخصصان زیست‌فن‌آوری ابراز می‌شد؛ لذا این مقاله با هدف بررسی وضعیت فعلی نظام حقوقی ثبت اختراع کشور در حفاظت و حمایت از منابع ژنتیک و دلایل موافقان و مخالفان حمایت سلبی و نیز لزوم تدوین نظام حمایت ایجابی از منابع ژنتیک تدوین شده است.

واژگان کلیدی

منابع ژنتیک؛ سرقت زیستی؛ حمایت سلبی؛ حمایت ایجابی؛ حقوق مالکیت فکری.

حمایت از منابع ژنتیک در پرتو قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

در سال ۱۳۸۲ با ارائه طرح ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری در مجلس شورای اسلامی تلاش‌های سازمان ثبت اسناد و املاک و قوه قضاییه به منظور به‌روز آوری قوانین و مقررات مالکیت صنعتی در کشور ابعاد تازه‌ای به خود گرفت. با توجه به تحولات بین‌المللی در زمینه منابع ژنتیک^۱ و دانش سنتی^۲ و نیز تأثیرات قابل توجه اجرای طرح مذکور بر موضوع حفاظت و مدیریت منابع ژنتیک در ایران، وزارت جهاد کشاورزی به عنوان عضو کمیته ملی منابع ژنتیک، دانش سنتی و مظاهر فرهنگ عامه، رایزنی‌های گسترده‌ای را با مسئولان سازمان ثبت اسناد و املاک، دولت و نیز مجلس شورای اسلامی به عمل آورده و طی آن پیشنهادات خود را برای خروج موقت منابع ژنتیک و دانش سنتی از شمول مقررات ثبت اختراع مطرح ساخت. این رایزنی‌ها منجر به درج بند (د) ماده (۴) در قانون آزمایشی ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری شد. به موجب این بند «منابع ژنتیک و اجزاء ژنتیک تشکیل‌دهنده آنها و همچنین فرآورده‌های بیولوژیک تولید آنها» از حیطه حمایت از اختراع خارج شدند. به این ترتیب عملاً امکان قانونی اعمال حمایت سلبی^۳ از منابع ژنتیک کشور و جلوگیری از بروز سرقت زیستی^۴ از این منابع با الحاق بند یاد شده فراهم آمد. همزمان مخالفت‌هایی نیز با رویکرد حمایت سلبی از منابع ژنتیک شکل گرفت که قسمت عمده آن از سوی متخصصان زیست‌فناوری و انجمن‌های ذی‌ربط هدایت می‌گردید و هدف آن‌ها فراهم آوردن امکان ثبت اختراعات زیست‌فناوری و حذف یا بی‌اثر نمودن قاعده حمایت سلبی در قانون بود. بارزترین ثمره این تلاش ارائه

طرح استفساریه بند (د) ماده (۴) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری بود که به صورت یک شوری در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و با شماره ثبت ۴۳۹ به کمیسیون قضایی و حقوقی به عنوان کمیسیون اصلی و کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی به عنوان کمیسیون فرعی ارجاع شد. به موجب استفساریه مذکور از مجلس شورای اسلامی این سؤال مطرح شده است:

آیا موضوع بند (د) ماده (۴) قانون فقط شامل منابع ژنتیکی طبیعی، اجزاء تشکیل‌دهنده و همچنین فرایندهای بیولوژیک آن‌چنان که در طبیعت است می‌شود یا شامل منابع ژنتیکی دست‌و‌زری شده (مهندسی‌شده) مصنوعی و فرایندهای زیستی که به طور مصنوعی طراحی و ایجاد می‌شوند نیز می‌گردد. همچنین طراحان استفساریه پاسخ پیشنهادی ذیل را برای تصویب توسط مجلس ارائه نموده‌اند:

این تبصره فقط شامل منابع ژنتیکی طبیعی و اجزاء تشکیل‌دهنده و همچنین فرایندهای بیولوژیک آن‌چنان که در طبیعت هست می‌گردد و منابع ژنتیکی دست‌و‌زری شده (مهندسی‌شده) مصنوعی و متعلقات آن و همچنین فرایندهای زیستی که در صنعت کاربرد دارد و مبتنی بر طراحی توسط مخترع است را شامل نمی‌گردد.

از آنجا که طرح مذکور آثار متعدد وضعی و تبعی را نه تنها بر قانون، بلکه بر اجرا و اعمال وظایف حاکمیتی دولت در حوزه‌های داخلی و بین‌المللی خواهد داشت و نیز تأمین و ایجاد توازن بین حقوق انحصاری اشخاص و حقوق عمومی را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ این مقاله با بررسی دلایل و استدلال‌های حامیان و مخالفان حمایت سلبی از منابع ژنتیک، سعی در ارائه تصویری از موضع‌گیری‌ها طرفین داشته است و قضاوت در خصوص درستی استدلال‌های هر

یک از طرفین را فارغ از هیاهوهای تبلیغاتی برعهده علاقه‌مندان می‌گذارد. به همین منظور، در این مقاله ابتدا تحولات ناظر بر موضوع حمایت از منابع ژنتیک و ارتباط آن با زیست‌فن‌آوری مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در ادامه هنجارها و قواعد ملی مرتبط با طرح استفساریه تجزیه و تحلیل خواهد شد و البته در هر مورد، نظرات حامیان طرح استفساریه مستفاد از گزارش توجیحی ۹ اردیبهشت سال ۱۳۸۸ انجمن علمی بیوتکنولوژی^۵ نقد و بررسی می‌شود.

الف) اهمیت حمایت از منابع ژنتیک و مقابله با سرقت زیستی

۱- اهمیت منابع ژنتیک برای ایران

ایران دارای یکی از غنی‌ترین اقلیم‌های زیست محیطی جهان بوده و تنوع زیستی در عرصه‌های گیاهی و جانوری آن قابل ملاحظه می‌باشد. ایران محل برخورد ۵ سرزمین معروف گیاهی و مهد تنوع گونه‌های گیاهی نیمکره شمالی به شمار می‌رود. به عنوان نمونه بیش از ۷۶۰۰ گونه گیاهی در ایران شناخته شده است که حدود ۲۳۰۰ گونه آن بومزاد ایران بوده و ۱۴۰۰ گونه آن در دنیا نادر است (قهرمان، ۱۳۸۸). همچنین ایران از جمله مناطقی است که کمتر دستخوش تغییرات در زمینه ذخایر ژنتیکی دام و طیور بوده است. در ایران بیش از یکصد توده ژنتیکی بومی دام و طیور کشور که با شرایط محل زندگی خود به خوبی سازگار شده و نسبت به بیماری‌های منطقه‌ای مقاومت نسبی پیدا کرده‌اند وجود دارد (توکلیان، ۱۳۷۸). بنا بر آنچه گفته شد بدیهی است که کشوری با چنین پشتوانه غنی از منابع ژنتیکی باید توجه ویژه‌ای به حفظ و حراست از این منابع مبذول نموده و از آن به نحو احسن در راه نیل به رشد و توسعه همه جانبه بهره‌گیری نماید؛ لیکن همانگونه که از سیاق استفساریه برمی‌آید هدف طراحان آن ثبت

بدون قید و شرط اختراعات زیست‌فن‌آوری، حتی فراتر از استانداردهای جهانی می‌باشد که بی‌شک نتیجه آن تسهیل و تسریع سرقت‌زیستی در کشور خواهد بود.

۲- منابع ژنتیک و سرقت‌زیستی

یکی از اساسی‌ترین دلایلی که طراحان استفساریه در دفاع از لزوم ثبت اختراعات زیست‌فن‌آوری به آن استناد می‌نمایند عدم ارتباط ثبت با موضوع حمایت از منابع ژنتیک است. به دیگر سخن، حمایت از اختراعات زیست‌فن‌آوری نباید متوقف بر تدوین قانون حمایت از منابع ژنتیک باشد، زیرا این دو موضوع اساساً ارتباطی با هم ندارند. برای درک این ارتباط لازم است قبل از هرچیز به مفهوم سرقت‌زیستی پرداخته شود. عبارت سرقت‌زیستی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۴ توسط یک گروه غیردولتی مستقر در آمریکای شمالی به نام مؤسسه بین‌المللی توسعه روستایی مطرح گردید. طرح این عبارت در پاسخ به ادعاهایی صورت گرفت که در سال ۱۹۹۳ نقض حقوق انحصاری شرکت‌های صاحب حق اختراع مستقر در کشورهای توسعه یافته (کشورهای شمال) توسط کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه یافته (کشورهای جنوب) را در زمره سرقت قرار داده بود. در واقع هدف از طرح عبارت سرقت‌زیستی تأکید بر این نکته بود که شرکت‌های مذکور بدون اجازه جوامع محلی و بومی دارنده و تأمین‌کننده منابع ژنتیک و دانش مرتبط با استفاده از این منابع و بدون پرداخت هرگونه هزینه‌های جبرانی به ایشان اقدام به استفاده تجاری از منابع و دانش مذکور می‌نمایند و این سوءاستفاده عمده‌تاً با استفاده از هنجارهای حقوقی مالکیت فکری و به ویژه از طریق کسب حقوق انحصاری ناشی از ثبت منابع ژنتیک و دانش سنتی جوامع بومی و محلی به عنوان اختراع صورت می‌پذیرد. در همین راستا برخی از نویسندگان سرقت‌زیستی را به معنای به دست آوردن حقوق

مالکیت فکری بر منابع ژنتیک و/یا دانش سنتی بدون اخذ اجازه/رضایت قبلی و تقسیم منافع ناشی از آن دانسته‌اند. برخی از نویسندگان موخر نیز در تشریح مفهوم عبارت سرقت‌زیستی آن را عبارتی نوپدید دانسته‌اند که در واکنش به سیاست‌های استعماری، سرمایه‌داری و اخیراً جهانی‌سازی شکل گرفته است. در واقع سرقت‌زیستی را باید صورتی نوین از استعمارنو دانست که با سوءاستفاده و بهره‌برداری از منابع غنی ژنتیکی کشورهای در حال توسعه بروز و ظهور یافته است و اینبار عامل مهم در تحقق این شکل از استعمار، توانایی‌های مالی و فنی شرکت‌های چندملیتی و ظرفیت‌های حقوقی کشورهای توسعه یافته برای نیل به آن می‌باشد و در این فرآیند استعماری، سوءاستفاده از نظام ثبت اختراع برای کسب حقوق انحصاری بر نوآوری‌های حوزه زیست‌فن‌آوری به عنوان یکی از روش‌های غالب و شناخته شده محسوب می‌شود و همانگونه که در ادامه این مقاله به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد کشورهای در حال توسعه با توسل به سازوکارهای حقوقی ویژه‌ای سعی در خنثی نمودن این پدیده و حفاظت و مدیریت از منابع ژنتیک خود نموده‌اند. البته چنین رویکردی از اواسط دهه ۹۰ میلادی در جامعه جهانی آغاز شده و تحولات بعدی همه در مسیر توسعه و تعمیق روش‌های حفظ و حراست از منابع ژنتیک رخ داده‌اند. تصویب کنوانسیون تنوع زیستی^۷ در نخستین مرحله و نیز معاهده بین‌المللی منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی^۸ فائو^۹ در گام بعدی مبین این تحولات هستند.

۳- حق حاکمیت ملی در کنوانسیون تنوع زیستی

مذاکرات تدوین کنوانسیون تنوع زیستی در ۲۲ ماه مه سال ۱۹۹۲ میلادی در شهر نایروبی، مرکز کشور آفریقایی کنیا به نتیجه رسید و سند نهایی آن در ۵ ماه ژوئن همان سال در نشست زمین در ریودوژانیرو کشور برزیل برای امضاء کشورهای شرکت کننده مفتوح و تا تاریخ ۴ ژوئن ۱۹۹۳ به امضای ۱۶۸ کشور رسیده و در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۹۳ یعنی در نودمین روز پس از تاریخ تقدیم سی امین سند ناظر بر الحاق به امین اسناد آن لازم الاجرا شد.^{۱۱} ایران نیز در سال ۱۳۷۵ به کنوانسیون ملحق شد.^{۱۲} در واقع این سند اصلی ترین ابزار بین المللی جهت حفظ تنوع زیستی و استفاده پایدار از منابع زیستی و تقسیم عادلانه منافع حاصل از آن می باشد. بر اساس ماده (۱) این کنوانسیون:

اهداف این کنوانسیون که باید برابر مقررات آن دنبال شود؛ عبارتند از حفظ تنوع زیستی؛ استفاده پایدار از گونه ها و سهم شدن عادلانه و منصفانه در مزایای حاصل از کاربرد منابع ژنتیکی، از جمله از طریق دسترسی مناسب به منابع ژنتیکی و انتقال صحیح فناوری های مربوط، با در نظر گرفتن کلیه حقوق مربوط به آن منابع و فن آوری ها، همچنین از طریق تأمین منابع مالی لازم.

بنابراین به طور خلاصه اهداف کنوانسیون را می توان شامل: ۱- حفاظت از تنوع زیستی، ۲- ارتقاء استفاده پایدار از عناصر تشکیل دهنده آن، ۳- نیل به تقسیم عادلانه و منصفانه در مزایای حاصل از کاربرد منابع ژنتیک دانست. کنوانسیون کشورهای عضو را در اجرای مفاد آن براساس قواعد ملی خود آزاد می گذارد و به صراحت حق حاکمیت دولت ها بر منابع ژنتیکی شان را مورد تاکید قرار می دهد. شناسایی حق حاکمیت دولت ها بر منابع ژنتیک و اخذ تصمیم در مورد چگونگی صدور مجوز دسترسی به این منابع در مقدمه و مواد مختلف کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته است. از جمله به موجب بند (۴) مقدمه و بند (۱) ماده

(۱۵): «با تاکید مجدد بر اینکه کشورهای جهان از حق حاکمیت بر منابع زیستی خود برخوردارند.»

«با عنایت به حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی خود، اختیار تصمیم‌گیری در مورد دسترسی به منابع ژنتیکی با دولت‌های ملی بوده و تابع قوانین داخلی می‌باشد.»

یکی دیگر از اصول پذیرفته شده این کنوانسیون که در بند (۵) ماده (۱۵) مورد تاکید قرار گرفته آن است که دسترسی به منابع ژنتیک منوط به رعایت آیین اعلام رضایت قبلی^{۱۲} کشور تأمین‌کننده این منابع می‌باشد: «دسترسی به منابع ژنتیک باید به موجب اطلاع و توافق پیشین کشور عضو تأمین‌کننده آن منابع باشد، مگر اینکه آن کشور عضو طریق دیگری را تعیین کرده باشد.»

۴- حق حاکمیت ملی در معاهده بین‌المللی منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی

این معاهده در ۳ نوامبر سال ۲۰۰۱ میلادی در سی و یکمین کنفرانس سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در مقر آن سازمان در شهر رُم به تصویب رسید و در ۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۴ میلادی در نودمین روز پس از تودیع چهلیمین سند الحاق به مدیرکل فائو (به عنوان امین اسناد) لازم‌الاجرا شد.^{۱۳} ایران نیز در سال ۱۳۸۴ به معاهده فوق ملحق گردیده است.^{۱۴} این معاهده که یک سند جدید و الزام‌آور بین‌المللی برای تضمین حفظ و مدیریت پایدار منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی به شمار می‌رود با توجه به مقدمه آن، علاوه بر تقسیم عادلانه و منصفانه منافع ناشی از کاربرد منابع ژنتیک، بر مبنای شناسایی حق حاکمیت

دولت‌ها بر منابع ژنتیک گیاهی خود و شناسایی حقوق کشاورزان شکل گرفته است. بر اساس بند (۱) ماده (۱):

«اهداف این معاهده عبارتند از حفاظت و استفاده از ذخایر توارثی برای غذا و کشاورزی و تقسیم عادلانه و منصفانه منافع حاصل از استفاده از آن هماهنگ با کنوانسیون تنوع زیستی به منظور نیل به کشاورزی پایدار و امنیت غذایی.»

در حقیقت این اصول کلی به این دلیل مورد توجه قرار گرفته‌اند که تا پیش از آن تمامی تلاش‌های بین‌المللی معطوف به نحوه بهره‌برداری از تنوع زیستی گردیده بود و به ماهیت متفاوت منابع ژنتیک کشاورزی که در طول هزاران سال رشد مورد بهره‌برداری قرار گرفته، مبادله شده و با سایر منابع ترکیب گردیده‌اند، توجه کافی مبذول نشده بود و این امر موجبات نگرانی کشورهای در حال توسعه را فراهم آورد. بند (۱) ماده (۱۰) معاهده در این زمینه مقرر داشته است:

«طرف‌های متعاهد در روابط خود با سایر کشورها، حقوق حاکمیتی آن‌ها را بر منابع ژنتیک گیاهی خود برای غذا و کشاورزی، از جمله اختیار تعیین چگونگی دسترسی به آن منابع توسط دولت‌های متبوع و با رعایت قوانین ملی به رسمیت می‌شناسند.»

در حقیقت، با تصویب کنوانسیون در سال ۱۹۹۲ تغییری اساسی در مفهوم مالکیت منابع ژنتیک مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر تا قبل از تصویب کنوانسیون، منابع ژنتیک میراث بشریت تلقی می‌گردید، در حالیکه این مفهوم در بند (۱) مقدمه کنوانسیون تنوع زیستی به عنوان مسئله مشترک همه بشریت^{۱۵} معرفی شده است و سپس در بند (۳) معاهده نیز تحت عنوان مسئله مشترک همه کشورها^{۱۶} شناسایی گردیده است. بنابراین مفاهیم فوق کاملاً به مفهوم مالکیت منابع ژنتیک توجه داشته و نه تنها از شناسایی آن به عنوان حق همه بشریت

اجتناب ورزیده‌اند، بلکه حق مالکیت ملی بر این منابع را به صورتی برجسته و متمایز در مقابل حقوق مالکیت فکری مورد تأکید قرار داده‌اند.

ب) حقوق مالکیت فکری و سازوکارهای حمایت از منابع ژنتیک و زیست فناوری

۱- حقوق مالکیت فکری

نظام مالکیت فکری یکی از مسائل زیر بنایی سیاست نوین اقتصادی در سطح ملی بوده و بستری برای توسعه به شمار می‌رود. مالکیت فکری به طور روزافزون برای توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای کمتر توسعه یافته، به عنوان یک ابزار مهم تلقی می‌شود. از همین رو از جمله دلایلی که طراحان استفساریه در خصوص لزوم آزادی ثبت اختراعات زیست‌فناوری به آن استناد می‌کنند: توسعه آموزش و سرمایه‌گذاری و تجارت در کشور است. از دیدگاه ایشان مقدمه انتقال فن‌آوری زیستی به کشور ثبت و حمایت از اختراعات زیست‌فناوری می‌باشد.

در پاسخ به این استدلال باید گفت اگرچه حقوق مالکیت فکری و به ویژه نظام ثبت اختراع از جمله پایه‌های اساسی توسعه دانش محور کشور به شمار می‌آیند، لیکن باید در نظر داشت که درک پایه‌های حقوقی و اقتصادی نظام مالکیت فکری پیش شرطی برای درک افزایش نقش و اهمیت آن در استراتژی‌های ملی در جهت تقویت رقابت و تسریع توسعه اقتصادی - اجتماعی به شمار رفته و کسب چنین حقوقی متضمن تجارت مطمئن و در عین حال الزامات متقابل برای دارنده آن می‌باشد. ماده ۷ موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (ترپس)^{۱۷} در همین راستا مقرر می‌دارد: «حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری

باید به منظور رشد و ارتقاء ابتکارهای فن آوری و انتقال و انتشار فن آوری جهت تأمین منافع تولیدکنندگان و استفاده کنندگان دانش فنی اشاعه یابد به نحوی که منجر به رفاه اقتصادی و اجتماعی و توازن بین حقوق و الزامات شود.» (بزرگی، فتحی‌زاده، ۱۳۸۳) همانگونه که در این ماده تصریح گردیده است هدف غایی از حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری رفاه اقتصادی و اجتماعی از رهگذر توازن بین حقوق و الزامات است. در واقع اگر چنین توازنی در عرصه سیاست‌گذاری‌های ملی مورد توجه قرار نگیرد حمایت از حقوق مالکیت فکری به ویژه در عرصه زیست‌فن آوری صرفاً موجب انحصارات خاص برای اشخاص حقیقی و حقوقی (نه تنها ایرانی بلکه با توجه به اصل رفتار ملی اتباع تمامی کشورهای عضو کنوانسیون پاریس) گردیده و حقوق عمومی آحاد افراد اجتماع را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین نکته بسیار مهم در اعطای حقوق مالکیت فکری به اختراعات زیست‌فن آوری در ایران پاسخ به این سؤال است که آیا اعطای حقوق انحصاری به تعداد انگشت‌شماری از مخترعان زیست‌فن آوری در کشور و تعداد بی‌شماری از اختراعات زیست‌فن آوری کشورهای توسعه یافته، بدون در نظر گرفتن منافع عمومی آحاد مردم و بدون اخذ تضمین‌های لازم در خصوص الزام ایشان به تقسیم منافع ناشی از دسترسی به منابع ژنتیک و بهره‌برداری از منابع مذکور از جمله با استفاده از سازوکار انتقال فن آوری، منطقی و مناسب خواهد بود یا خیر؟

بهترین شاهد مدعا در این خصوص اقدام ایران و ۱۲ کشور دیگر در حال توسعه عضو سازمان جهانی مالکیت فکری موسوم به گروه کشورهای دوست‌دار توسعه در تدوین و تصویب بیانیه توسعه آن سازمان است.^{۱۸} در سال ۲۰۰۴ میلادی کشورهای برزیل و آرژانتین پیش‌نویس طرحی را به نشست سی‌ویکم مجمع

عمومی آن سازمان ارائه کردند. این پیش‌نویس مشتمل بر چهار موضوع اساسی وظایف و اختیارات سازمان، هنجارسازی، همکاری فنی و انتقال فن‌آوری مورد تأیید کشورهای عضو گروه دوستداران توسعه قرار گرفت و با رایزنی‌های فراوان سرانجام در پاییز سال ۲۰۰۷ میلادی با اصلاح و تکمیل به تصویب مجمع عمومی سازمان رسید.^{۱۹} در واقع آنچه موجب این رویکرد گردید، نگرانی روزافزون کشورهای یادشده در خصوص نتایج معکوس اعمال مالکیت فکری بر رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه و انحصار فن‌آوری در کشورهای توسعه یافته بود. بیانیه توسعه‌گواهی روشن بر این واقعیت است که نظام ثبت اختراع فی‌الفسه نه تنها موجب انتقال فن‌آوری نمی‌گردد بلکه با توجه به انحصار حقوقی و اقتدار ناشی از آن عملاً صاحب اختراع که مالک فن‌آوری نیز هست را از تعهد به انتقال فن‌آوری بی‌نیاز می‌سازد؛ لذا سیاست‌های ملی باید با لحاظ نمودن منافع ملی روش‌های حقوقی مناسب را برای الزام مخترعان به انتقال فن‌آوری در قوانین ملی خویش پیش‌بینی نمایند. نظیر این نگرانی در کنوانسیون تنوع زیستی ملاحظه می‌شود. از آنجا که حقوق مالکیت فکری می‌تواند بر ماهیت فناوری‌های بکار رفته در شیوه‌های بهره‌برداری از منابع ژنتیک موثر بوده و چگونگی انتقال و کاربرد این فن‌آوری‌ها را نیز تحت تاثیر خود قرار دهد؛ توسعه و انتقال فن‌آوری متناسب برای تأمین موفقیت‌آمیز اهداف کنوانسیون بسیار مهم است. از این‌رو کنوانسیون به فن‌آوری‌هایی که کاربرد آن‌ها در صیانت و استفاده پایدار از تنوع زیستی اهمیت دارد، توجه ویژه مبذول داشته است. در این راستا طرف‌های متعاقد بر اساس شرایط مندرج در بندهای (۱) و (۲) ماده (۱۶)، موافقت خود را با تعهد به فراهم آوردن و یا تسهیل دستیابی و انتقال فن‌آوری به سایر طرف‌های متعاقد به ویژه در قالب شرایط عادلانه و مطلوب اعلام می‌دارند. همان‌گونه که گفته شد

ارتباط بین حقوق مالکیت فکری و انتقال فن آوری بر اساس کنوانسیون واجد وجوه مختلف می‌باشد. لیکن مهم‌ترین این وجوه را می‌توان تاثیر نظام حمایتی مالکیت فکری بر ماهیت فن آوری بکار رفته در منابع ژنتیک و انتقال این فن آوری‌ها دانست. همچنین باید توجه داشت که این حقوق نباید در تضاد با اهداف کنوانسیون باشند. این امر مورد تاکید دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی نیز بوده است: « با توجه به توسعه سریع فن آوری، به ویژه فن آوری زیستی، باید در اسرع وقت به تاثیر حقوق مالکیت فکری بر نیل به اهداف کنوانسیون شامل تسهیل دستیابی و انتقال فن آوری انجام شود.^{۲۰}»

۲- سازوکارهای حمایت حقوقی از منابع ژنتیک

همانگونه که قبلاً گفته شد اهمیت اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی منابع ژنتیک باعث بروز نگرانی‌های جدی حاکمیت‌های ملی در شیوه بهره‌برداری از این منابع و امکان محو و نابودی آنها شده است. از اینرو دو رویکرد حفاظت^{۲۱} از این منابع به منظور صیانت از آنها در مقابل صدمه و اتلاف و حمایت^{۲۲} از این منابع در برابر استفاده نامناسب یا بدون مجوز از آنها، در دستور کار مذاکرات بین‌المللی قرار گرفته است. بدیهی است که برای نیل به این دو هدف لازم است با طراحی یک نظام حقوقی متناسب که به حقوق مالکیت فکری موجود نیز توجه بایسته مبذول داشته باشد ابزار حقوقی لازم را فراهم آورد. مفهوم حفاظت که به صورت اساسی در کنوانسیون تنوع زیستی و معاهده منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی با تاکید بر اصل اخذ رضایت قبلی مورد توجه قرار گرفته است، زیر عنوان حمایت سلبی^{۲۳} شناخته می‌شود. حمایت سلبی به معنای انجام اقدام‌هایی با هدف جلوگیری از کسب حقوق انحصاری مالکیت فکری بر منابع ژنتیک، توسط

اشخاصی به جز جوامع محلی و بومی دارنده این منابع می‌باشد.^{۲۴} در واقع بند (د) ماده (۴) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در راستای اعمال حمایت سلبی از منابع غنی ژنتیکی کشور طراحی و در متن قانون گنجانده شده است؛ لیکن با توجه به کشاکش موجود بین نیاز به ارتقاء و تشویق قوه ابتکار و خلاقیت و افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی مولد از یکسو و نیاز به تضمین آزادی، جریان آزاد اطلاعات و آثار فرهنگی، و نیاز به دستیابی به فن‌آوری از سوی دیگر، حمایت سلبی نمی‌تواند به تنهایی کارساز باشد. به بیان دیگر، حمایت سلبی اگرچه می‌تواند نگرانی‌های ناشی از عدم حفاظت از منابع ژنتیک را تا حدی برطرف کند، اما از سوی دیگر اعمال یکجانبه حمایت سلبی در قانون باعث بروز نگرانی جدی متخصصان زیست‌فن‌آوری و انجمن‌های ذی‌ربط ایشان شده است. به ویژه نگرانی ایشان در خصوص ناامیدی و سرخوردگی نیروی انسانی متخصص کشور به علت عدم حمایت از نوآوری‌ها، ابداعات و اختراعات زیست‌فن‌آوری و عدم ثمردهی نتایج ناشی از تحقیقات ایشان، عدم سرمایه‌گذاری صنایع و تولید ثروت از رهگذر تجاری‌سازی زیست‌فن‌آوری، عدم ایجاد فرصت‌های شغلی و در نهایت رکود زیست‌فن‌آوری در کشور برجسته می‌باشد. از این‌رو لاجرم باید با شناخت دقیق عناصر مختلف مرتبط با موضوع فن‌آوری زیستی و تطبیق آن با نیازهای این حوزه، به یک نظام مناسب حمایتی که امکان پشتیبانی از پیشرفت‌های علمی و فنی این حوزه را فراهم آورده و از سوی دیگر تأمین‌کننده منافع و حقوق تمامی اشخاص ذی‌نفع باشد، دست یافت. از این نظام حمایتی به عنوان حمایت ایجابی^{۲۵} یاد می‌شود مفهومی وسیع‌تر از حفاظت داشته و می‌تواند شامل چگونگی استفاده از نظام‌های حقوقی مالکیت فکری باشد.^{۲۶} اگرچه سازوکارهای حمایتی حقوق مالکیت فکری خواه به صورت قراردادی و خواه به

شکل نظام حمایتی ویژه می‌توانند در نیل به اهداف حمایت‌ایجایی موثر باشند؛ لذا لازم است با نیل به یک نظام حقوقی مناسب بین این دو رویکرد تعادل ایجاد نمود. برای مثال شاید با اعطای صلاحیت حقوقی لازم به تأمین‌کنندگان منابع ژنتیک بتوان اشخاص ثالث را از برخی بهره‌بردارهای خاص از منابع و مواد ژنتیک بازداشته و یا محدود نمود و چگونگی احترام به حقوق تأمین‌کنندگان، تضمین منافع ایشان و شیوه‌های توافقی و قراردادی تقسیم منافع را تبیین کرد. اما این امور منوط به وجود راهبردهای ملی حفاظتی و حمایتی به صورت توانمند می‌باشد. بنابراین رفع نگرانی‌های طراحان استفساریه، نه از طریق حذف بند (د) ماده (۴) یا بلااثر نمودن آن - که لاجرم منجر به سرقت‌زیستی منابع کشور خواهد شد - بلکه از طریق ایجاد یک نظام جامع حفاظت و مدیریت منابع ژنتیک و نیز اصلاح هماهنگ قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری امکان‌پذیر خواهد بود.

۳- مقایسه تطبیقی در خصوص قواعد ثبت اختراعات زیست‌فناوری

برخلاف رویه جاری ثبت اختراعات زیست‌فناوری در سایر کشورهای جهان، طرح استفساریه تمامی انواع منابع ژنتیکی و مواد ژنتیکی دست‌ورزی شده و فرآیندهای بیولوژیک تولید مواد و منابع ژنتیکی را که در صنعت کاربرد دارند با یک حکم کلی و عام مشمول مقررات ثبت اختراع دانسته است؛ در حالی که چنین رویه‌ای حتی در کشورهای توسعه یافته عضو اتحادیه اروپا و مقررات سازمان جهانی تجارت نیز سابقه ندارد. برای مثال:

۳-۱- منابع ژنتیک گیاهی و جانوری: به موجب بند (۳) ماده (۲۷) موافقتنامه

جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری به کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت

اجازه داده شده است که گونه‌های گیاهی و جانوری را از شمول ثبت اختراع خارج نمایند. بر اساس این بند:

«گیاهان و جانوران به غیر از میکروارگانیسم‌ها و فرآورده‌های اساساً بیولوژیک برای تولید گیاهان و جانوران به غیر از فرآورده‌های غیر بیولوژیک و میکروبیولوژیک»

البته باید توجه نمود که برخلاف نظر انجمن زیست‌فناوری که در بیانیه توجیهی خود صرفاً گیاهان، جانوران و فرآورده‌های بیولوژیک طبیعی را موضوع این استثناء دانسته است، گونه‌های گیاهی و جانوری تراریخته و نیز فرآورده‌های بیولوژیکی که می‌توانند در آزمایشگاه بازسازی شوند نیز مشمول این استثناء هستند و نحوه بیان عبارات در متن به ویژه اشاره مستقیم به لزوم ثبت ارقام جدید گیاهی در ادامه بند به روشنی مبین اختیاری است که موافقتنامه به کشورهای عضو برای اعمال استثناء بر ثبت اشکال حیات به عنوان اختراع داده‌اند. این در حالی است که علیرغم عدم عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت و عدم استفاده از امتیازات ناشی از عضویت در سازمان مذکور، طرح استفساریه هیچگونه محدودیتی در خصوص ثبت گونه‌های جانوری و گیاهی به عنوان اختراع قائل نشده است و به اصطلاح بدون اخذ هیچ امتیازی در مذاکرات مربوط به الحاق سازمان جهانی تجارت امکان ثبت اشکال حیات را به سایر کشورها داده است!!!

۳-۲- میکروارگانیسم‌ها: طیف گسترده‌ای از مواد بیولوژیک هستند که هرگونه اختراع در حوزه آنها می‌تواند تاثیر زیادی بر مسائل غذایی و بهداشتی داشته باشد. از اینرو برای متقاضی ثبت اختراع، توصیف و تشریح مکتوب محصول دارویی و غذایی موضوع اختراع امری بس مشکل است. بنابراین تودیع آنها با هدف افشای

اختراع ضرورت دارد. در مرحله بعد نیز انتقال میکروارگانیزم‌ها به حوزه عمومی با توجه به مشکلات دسترسی به آن‌ها توسط اشخاص، امکان استفاده از این سازوکار را به حداقل خواهد رساند. معاهده بوداپست برای حل معضله‌های یاد شده تدوین و در سال ۱۹۷۷ منعقد شده است. به موجب این معاهده تمهیدات آسانتری برای فراهم آوردن امکان عمل به الزام‌های مربوط به اختراع فن‌آوری زیستی توسط متقاضیان ثبت اختراع در این حوزه اندیشیده شده است و می‌توان با تودیع نمونه‌ای از میکروارگانیزم نزد یک نهاد ویژه، نتیجه‌ای مشابه را انتظار داشت. این مهم با تودیع میکروارگانیزم جدید نزد یک مقام امین بین‌المللی رسمی صورت می‌پذیرد. در حالی که در صورت تصویب استفساریه، متقاضی ثبت اختراع هیچگونه تکلیفی به تودیع میکروارگانیزم ادعایی حتی نزد یک مرجع امین ملی نخواهد داشت.

۳-۳- مواد ژنتیکی انسانی: به موجب دستورالعمل شماره EC/۴۴/۹۸ کمیسیون

اروپا مصوب ۶ جولای ۱۹۹۸ در خصوص حمایت حقوقی از اختراعات بیوتکنولوژی، بدن انسان در سطوح گوناگون از شکل و یا رشد یا کشف ساده یکی از عناصر آن شامل توالی یا بخشی از توالی یک ژن، فرایندهای همانندسازی انسان، فرایندهای اصلاح خصوصیت ژنتیکی جنین انسان و کاربرد صنعتی آن از شمول نظام حمایتی ثبت اختراعات خارج شده‌اند، لیکن به موجب استفساریه مذکور اداره کل مالکیت صنعتی موظف به ثبت تمامی اختراعات مذکور خواهد بود!

– در حالی که بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای حوزه آند^{۲۷} و همچنین کشورهای با اقتصادهای در حال ظهور نظیر برزیل و هند و نیز برخی دیگر از کشورهای آسیایی افشای مبداء جغرافیایی منابع ژنتیک را در

اظهارنامه‌های ثبت اختراع و ارائه اسناد مبین اخذ رضایت قبلی از جوامع تأمین کننده منابع ژنتیک الزامی نموده‌اند. متأسفانه طرح استفساریه حتی دستورالعمل کمیسیون اروپا را نیز مدنظر قرار نداده است. به موجب بند (۲۷) مقدمه دستورالعمل مقرر گردیده است:

«در مواردی که یک اختراع بر مبنای مواد زیستی با منشاء گیاهی و جانوری با استفاده از چنین موادی صورت گرفته باشد، اظهارنامه ثبت اختراع باید به نحو مقتضی شامل اطلاعاتی در خصوص مبداء جغرافیایی چنین موادی باشد....»

ج) بررسی وضعیت و مبانی حقوقی طرح استفساریه نسبت به قوانین و مقررات جاری کشور

۱- بررسی محتوای طرح استفساریه نسبت به قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری

متأسفانه طراحان استفساریه صرفاً با هدف نیل به یک نتیجه خاص که عبارت از «حمایت از مخترعین حوزه زیست‌فن‌آوری» می‌باشد اقدام به ارائه آن نموده‌اند و توجه شایسته و بایسته به ارتباط منطقی استفساریه با کلیت قانون و سایر مواد قانون را مبذول ننموده‌اند. عدم آگاهی طراحان استفساریه نسبت به کلیت موضوع مقررات ثبت اختراع در قانون ۱۳۸۷ نیز از سیاق عبارات به روشنی قابل تشخیص است. از بدیهی‌ترین نشانه‌های این غفلت عدم ذکر عنوان درست قانون در طرح استفساریه می‌باشد. لازم به توضیح است که عنوانی که برای طرح استفساریه مورد استفاده قرار گرفته است مربوط به عنوان «طرح قانونی ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری» می‌باشد که قبل از اصلاح و تصویب در مجلس شورای اسلامی مورد بحث و بررسی بوده است؛ درحالی که قانون تحت عنوان

قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری به تصویب رسیده است. به دیگر سخن طراحان استفساریه به جز بند (د) ماده (۴) قانون به هیچ قسمت دیگر آن و حتی عنوان آن توجه ننموده‌اند.

در همین راستا می‌توان عدم توجه طراحان استفساریه را به ارتباط منطقی بین بندهای (الف) و (د) ماده (۴) دانست. زیرا طرح ابتدا منابع ژنتیک و اجزاء تشکیل‌دهنده آن‌ها و فرآیندهای بیولوژیک تولید آن‌ها را به دو دسته «طبیعی» و «مصنوعی و دست‌ورزی (مهندسی‌شده)» تقسیم و جداسازی نموده و سپس تنها منابع ژنتیک، اجزاء تشکیل‌دهنده آن‌ها و فرآیندهای بیولوژیک تولید «طبیعی» را مشمول استثناء دانسته است. لازم به توضیح است که اگر مقصود قانون‌گذار مطابق با طرح استفساریه بود، با عنایت به تصریح بند (الف) در خصوص خارج نمودن «کشفیات» از حیطه حمایت از اختراع^{۲۸} دیگر نیازی به درج بند (د) ماده (۴) وجود نداشت. زیرا منابع، اجزاء و فرآیندهای تولید طبیعی قاعدتاً از قبل در طبیعت وجود داشته و در زمره کشفیات قرار می‌گیرند و مشمول تعریف اختراع در ماده (۱) قانون^{۲۹} که لازمه آن ارائه برای اولین بار توسط شخص است، نمی‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که استثناء بند (د) تمامی انواع منابع ژنتیک، اجزاء ژنتیک تشکیل‌دهنده آن‌ها و فرآیندهای بیولوژیک تولید آن‌ها اعم از طبیعی و مصنوعی و دست‌ورزی (مهندسی‌شده) را شامل می‌شود.

علیرغم اذعان همه کارشناسان حوزه زیست‌فناوری در خصوص تفاوت‌های عمده و اساسی اختراعات بیوتکنولوژی با سایر اختراعات، طرح استفساریه به این تفاوت‌ها بی‌توجه بوده است. از جمله در مورد ماده (۱۵) قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری ناظر بر چگونگی بهره‌برداری از فرآورده یا فرآیند، این سؤال بی‌پاسخ باقی می‌ماند که آیا با توجه به خاصیت توارثی و

تولید مثل منابع ژنتیک، حقوق اعطایی به یک اختراع صرفاً بر نسل اول تعلق می‌گیرد یا نسل‌های بعدی را نیز شامل می‌شود؟!

۲- عدم توجه به تعاریف قانونی منابع ژنتیک در کلیت قوانین و مقررات کشور
طرح استفساریه در ارائه تقسیمات مذکور به تعریف ارائه شده در سایر قوانین و مقررات کشور در خصوص منابع ژنتیک توجه شایسته مبذول ننموده است. از جمله:

۲-۱- به موجب بند (و) ماده (۲) قانون نظام جامع دامپروزی کشور مصوب ۱۳۸۸ مجلس شورای اسلامی «منابع ژنتیکی به انواع گونه، نژاد، سویه (تیپ) و جمعیت‌های دام کشور که حامل عوامل ارثی شناخته شده و یا ناشناخته هستند، اعم از اصلاح شده و یا اصلاح نشده، اطلاق می‌گردد.»^{۳۰} بنابراین این قانون به صراحت مفهوم منابع ژنتیک را اعم از منابع ژنتیک طبیعی یا دست‌ورزی شده و مشمول احکام و مقررات مندرج در آن دانسته است.

۲-۲- به موجب ماده (۲) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون تنوع زیستی مصوب ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی «منابع ژنتیکی به معنی مواد ژنتیکی است که از ارزش واقعی یا بالقوه برخوردار باشد». همچنین به موجب ماده (۲) قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به معاهده بین‌المللی ذخایر ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی مصوب ۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی «منابع ژنتیکی گیاهی برای غذا و کشاورزی به هرگونه ماده ژنتیکی با منشأ گیاهی اطلاق می‌شود که دارای ارزش بالفعل یا بالقوه برای غذا و کشاورزی باشد». بنابراین با ملاحظه تعاریف مذکور می‌توان نتیجه گرفت آنچه در تعریف منابع ژنتیک تأثیرگذار است ارزش بالفعل یا بالقوه آن‌ها می‌باشد و نه طبیعی یا

مصنوعی بودن این منابع و از این رو تقسیم‌بندی ارائه شده در طرح فاقد مبنا و توجیه حقوقی و قانونی می‌باشد.

۳- تأثیر تصویب طرح استفساریه بر قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال

براساس قانون موصوف که در سال ۱۳۸۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و نیز آیین‌نامه‌های اجرایی آن مصوب ۱۳۸۷ هیأت امنای سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ارقام جدید گیاهی با احراز برخورداری از شرایط جدید بودن، تمایز، یکنواختی و پایداری به موجب نظام خاص حمایت از ارقام جدید گیاهی مورد حمایت قرار می‌گیرند. از سوی دیگر براساس طرح استفساریه هرگونه منابع ژنتیکی دست‌ورزی شده که ارقام جدید گیاهی را نیز شامل خواهد شد به عنوان اختراع مورد حمایت قرار خواهد داد. با توجه به اینکه تاریخ تصویب قانون ثبت اختراعات سال ۱۳۸۶ بوده و نسبت به قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال مصوب ۱۳۸۲ قانون موخر (لاحق) شناخته می‌شود. به نظر می‌رسد ذکر این پیشنهاد بدون اشاره به وضعیت حقوقی نظام ثبت ارقام گیاهی و تأثیر نظام ثبت اختراع بر این نظام عملاً به این معنا خواهد بود که با توجه به موخرالتصویب بودن قانون ثبت اختراعات به عنوان یک قانون خاص، عملاً قانون ثبت ارقام گیاهی نسخ ضمنی گردیده و در نتیجه ثبت ارقام گیاهی دست‌ورزی شده نیز مشمول قانون ثبت اختراع شود و توسط اداره کل مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور صورت پذیرد. اگرچه عده‌ای از موافقان طرح استفساریه بر این باورند که با توجه به اینکه ارقام گیاهی گونه خاصی از منابع ژنتیک هستند بنابراین حتی در صورت تصویب استفساریه قانون ثبت اختراع به

عنوان قانون موخر عام نمی‌تواند قانون ثبت ارقام گیاهی را به عنوان قانون مقدم خاص نسخ نماید. این اختلاف نظر اصولاً با هدف غایی طراحان استفساریه که جلوگیری از برداشت‌های شخصی از احکام قانونی می‌باشد تناقض دارد.

در عین حال، در صورت تصویب استفساریه و ثبت ارقام جدید گیاهی در نظام اختراع، مخترعین این حوزه بدون نیاز به طی آزمون‌های احراز شرایط تمایز، یکنواختی و پایداری در مزارع، و صرفاً با تأمین شرایط جدید بودن، دارای گام ابتکاری بودن و کاربرد صنعتی داشتن که احراز آن‌ها بدون انجام هیچ‌گونه آزمونی و صرفاً با بررسی شکلی ادعای مخترع صورت می‌پذیرد؛ از حقوق انحصاری فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهند شد و در نتیجه هزینه‌های تهیه و استفاده از بذر و نهال جدید و اصلاح‌شده به شدت برای کشاورزان افزایش خواهد یافت و حقوق ایشان را به شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ در حالی که در آیین‌نامه اجرایی ثبت ارقام جدید گیاهی مصوب ۱۳۸۷ حقوق کشاورزان به نحو مقتضی مورد توجه قرار گرفته است.

نتیجه

همان گونه که قبلاً اشاره شد ایران در سال ۱۳۷۵ به کنوانسیون تنوع زیستی و در سال ۱۳۸۴ به معاهده منابع ژنتیک گیاهی برای غذا و کشاورزی ملحق شده است. از جمله اصول اساسی عهدنامه‌های یادشده شناسایی حق حاکمیت دولت‌ها بر منابع ژنتیک و نیز شناسایی اصل لزوم اخذ رضایت قبلی از جوامع دارنده این منابع برای دسترسی به منابع ژنتیک و در نهایت تقسیم منافع ناشی از بهره‌برداری از این منابع می‌باشد. ضمن آنکه در معاهده اخیرالذکر بر لزوم توجه خاص به حقوق کشاورزان در استفاده از منابع ژنتیک گیاهی برای تولید محصولات کشاورزی و تضمین امنیت غذایی تأکید شده است؛ لذا تدوین قوانین ملی برای اجرایی نمودن اصول عهدنامه‌های مذکور در کشور برای حفظ منافع ملی و حق حاکمیت بر منابع ژنتیک الزامی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. این در حالی است که حق ثبت اختراع، حقی است که به واسطه اختراعی که یک فرد انجام داده است به طور انحصاری به وی اعطاء می‌شود. با لحاظ نمودن این نکته مهم که بیشترین تعداد و میزان اختراعات حوزه بیوتکنولوژی توسط شرکت‌های چند ملیتی و کشورهای توسعه یافته صورت می‌پذیرد؛ نظام ثبت اختراع اهمیت ویژه‌ای برای شرکت‌ها و کشورهای مذکور داشته و با توجه به خطر جدی که چنین انحصاری برای کشورهای دارای منابع ژنتیک غنی نظیر ایران دارد، هرگونه اعطای حقوق انحصاری بدون اخذ تعهدات مربوط به تقسیم منافع و انتقال تکنولوژی می‌تواند می‌تواند آثار مخربی بر حق حاکمیت ملی و وضعیت حقوقی منابع ژنتیک کشور برجای گذاشته و خسارات جبران‌ناپذیری را برای کشور در پی داشته باشد. در واقع خروج موقت منابع ژنتیک از شمول نظام ثبت اختراع امری حیاتی برای کشور می‌باشد و این خروج الزاماً باید تا زمان تهیه و تصویب نظام جامع حفاظت و مدیریت منابع ژنتیکی کشور و تنظیم فرایندهای مربوط به چگونگی دسترسی و بهره‌برداری از این منابع حفظ گردد. بنابراین از نظر نگارنده، لازم است به جای

ارائه طرح‌ها و لوایح انحرافی نظیر طرح استفساریه موضوع این مقاله، هماهنگی‌های لازم بین متخصصان مالکیت فکری و متخصصان زیست‌فناوری کشور به منظور تهیه و تدوین و تصویب نظام جامع حفاظت و مدیریت منابع ژنتیک و همزمان اصلاح قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری به عمل آید.

پی‌نوشت‌ها

- 1- Genetic Resources (GR)
- 2- Traditional Knowledge (TK)
- 3- Defensive Protection
- 4- Biopiracy
- ۵- گزارش توجیهی مذکور در تاریخ ۱۳۸۸/۰۹/۲۸ توسط رییس محترم انجمن بیوتکنولوژی از طریق ای‌میل برای اعضای انجمن ارسال شده است.
- 6- Piracy
- 7- Convention on Biological Diversity (CBD).
- 8- International Treaty on Plant Genetic Resources for Food and Agriculture (PGRFA).
- 9- Food and Agriculture Organization of United Nation (FAO).
- 10- www.cbd.int/history.
- ۱۱- به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۴۹۴۶ مورخ ۱۳۷۵/۰۴/۰۷.
- 12- Prior Informed Consent (PIC)
- 13- <http://www.fao.org/nr/cgrfa/cgrfa-about/cgrfa-history>.
- ۱۴- به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۷۵۹۵ مورخ ۱۳۸۴/۰۵/۰۴.
- 15- Common concern of humankind
- 16- Common concern of all countries
- 17- TRIPS
- ۱۸- اعضای گروه دوست‌داران توسعه عبارتند از ایران، مصر، برزیل، آرژانتین، بولیوی، کوبا، دومینیک، اکوادور، پرو، ونزوئلا، کنیا، سیرالئون، آفریقای جنوبی، تانزانیا.
- 19- Proposal To Establish a Development a gender for WIPO: an Elaboration of Issues Raised in Document Wo/Ga/31/11, Iim/1/4.
- 20- The relationship between Intellectual Property Rights and the relevant provisions of TRIPS Agreement and The CBD, UNEP/CBD/ISOC/5, Para.5
- 21- Preservation
- 22- Protection
- 23- Defensive protection
- 24- Traditional knowledge, traditional cultural expressions and genetic resources: the international dimension WIPO/GRTKF/IC/6/6.
- 25- Positive protection.
- 26- WIPO/GRTKF/IC/3/6, P.4.
- ۲۷- جامعه کشورهای حوزه آند متشکل است از کشورهای بولیوی، کلمبیا، اکوادور، پرو، ونزوئلا.
- ۲۸- ماده ۴- موارد زیر از حیطه حمایت از اختراع خارج است: الف - کشفیات، ...
- ۲۹- ماده ۱- اختراع نتیجه فکر فرد یا افراد است که برای اولین بار فرآیند یا فرآورده‌ای خاص را ارائه می‌کند.
- ۳۰- به نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۸۷۸۴ مورخ ۱۳۸۸/۰۶/۰۵.

فهرست منابع

- De Beer, J., C. International Development Research, et al. (2009). Implementing the World Intellectual Property Organization's development agenda. [Waterloo, Ont.], Wilfred Laurier University Press.
- Hacon, R. J. and J. Pagenberg (2007). Concise European patent law. Alphen aan den Rijn, The Netherlands; Frederick, MD, Kluwer Law International ; Sold and distributed in North, Central, and South America by Aspen Publishers.
- Idris, K. and O. World Intellectual Property (2002). Intellectual property : a power tool for economic growth. Geneva, Switzerland, World Intellectual Property Organization.
- Khor, M. (2002). Intellectual property, biodiversity and sustainable development : resolving the difficult issues. London, Zed Books.
- Mgbeoji, I. (2006). Global biopiracy : patents, plants and indigenous knowledge. Vancouver, UBC Press.
- UNDP and RAFI (1994). Conserving indigenous knowledge : integrating two systems of innovation. [New York], UN.
- World Intellectual Property, O. (1989). Guide to the deposit of microorganisms under the Budapest treaty. Geneva, World Intellectual Property Organization.

یادداشت شناسه مؤلف

حجت خادمی، دانشجوی دکترای حقوق بیوتکنولوژی دانشگاه برن، مدیر گروه اخلاق زیستی ستاد توسعه زیست فناوری و عضو پیوسته انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
نشانی الکترونیکی: Dr.abbasi@sbmn.ac.ir

دکتر محمود عباسی، دبیر انجمن علمی حقوق پزشکی ایران، رئیس کمیته حقوق، اخلاق و استاندارد ستاد توسعه زیست فناوری و رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۸۹/۱/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۳/۱۳